

عروض

← قبل از این که روش عروض دیداری را شروع کنیم، لطفاً مباحث پایه ای زیر را تمرین کنید.

۱- شناخت انواع هجا

۲- ظاهر پایه های آوایی

۳- حذف همزه

۴- حذف نون ساکن بعد از مصوت بلند

۵- شناخت انواع هجا حفظ کردن

شناخت انواع هجا

نام هجا	علامت	الگوی هجایی	مثال
کوتاه	U	صامت + مصوت کوتاه	ک - ت - ش - و
بلند	—	صامت + مصوت کوتاه + صامت	سر - چُن
		صامت + مصوت بلند	تا - بو - سی
کشیده	U _	صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت	سرد - پُخت
		صامت + مصوت بلند + صامت (+ صامت)	مار - ریخت

توجه: هجای کشیده در شعر تجزیه می شود به یک هجای بلند و یک هجای کوتاه. (بجز هجای پایان مصراع که یک هجای بلند محسوب می شود).

فاعلاتن - - - - - - - - - -	مستفعلن - - - - - - - - - -	مفاعیلن - - - - - - - - - -
فاعلات - - - - - - - - - -	مفتعلن - - - - - - - - - -	مفاعیلن - - - - - - - - - -
فاعلاتن - - - - - - - - - -	مفتعلن - - - - - - - - - -	مفاعیلن - - - - - - - - - -
فاعلات - - - - - - - - - -	مستفعلن - - - - - - - - - -	مفعول - - - - - - - - - -
فاعِلن - - - - - - - - - -	مستفعلن - - - - - - - - - -	مفعولن - - - - - - - - - -
فعِلن - - - - - - - - - -	مستفعلن - - - - - - - - - -	فعل - - - - - - - - - -

اوزان شعر فارسی به ۳ قسم، تقسیم می شود.

۱. همسان تک پایه‌ای: اوزانی که دو رکن اولشان یکی است. مثل: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

مفاعیلن» یا «مفتعلن مفتعلن فاعلن»

۲. همسان دو لختی یا همسان متناوب یا دوری: اوزانی که ۴ رکن دارند و ارکانش یکی در میان،

یکی است و بین مصراع یک مکث وجود دارد. مثل: «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن» یا

«فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن»

۳. ناهمسان: وزنی که همسان نباشد، ناهمسان است: مثل: «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعِلن» یا

«مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن»

اوزان همسان تک پایه‌ای:

❖ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

کرده ام طی صد بیابان را به شوق یک جنون / من از این دیوانه بازی ها فراوان کرده ام

❖ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

دیده ام خورشید را در خواب تعبیرش تویی / خواب دریا و شب مهتاب تعبیرش تویی

❖ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

از تفاهم در فلق صحبت کنیم / عشق را چون قرص نان قسمت کنیم

❖ فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

ای که گمنام رسیدی تو و گمنام گذشتی / تو که بودی که شتابان و بی آرام گذشتی

❖ فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلن

برده بهتم به تماشاگاه زیبای دوست / که چه رازیست در این حُسنِ معمای دوست

❖ فعلاتن فعلاتن فعِلن

بت خود را بشکن خوار و ذلیل / نامور شو به فتوت چو خلیل

❖ مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

عشق تو بر بود ز من مایه ی مایی و منی / خود نبُود عشق تو را چاره ز بی خویشنی

❖ مفتعلن مفتعلن فاعلن

باز چه سوزیست که در من گرفت / وین چه حریقی است که دامن گرفت؟

❖ مستفعل مستفعل مستفعل مستف یا مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن

تاکی به تمنّای وصال تو یگانه / اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

❖ مستفعل مستفعل مستفعل فع یا مفعول مفاعیل مفاعیل فعل

اسرارِ ازل را نه تو دانی و نه من / وین حرف معما نه تو خوانی و نه من

❖ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

خیال انگیز و جان پرور چوبوی گل سرپایی / نداری غیر از این عیبی که می دانی چه زیبایی

❖ مفاعیلن مفاعیلن فعولن

دلم را چون کلیدی می سپارم / به دست مهربان و گرم یارم

❖ فعولن فعولن فعولن فعولن

چه گرمی، چه خوبی، شرابی؟ چه هستی؟ / بهاری؟ گلی؟ ماهتابی؟ چه هستی؟

❖ فعولن فعولن فعولن فعل

صدایت بیابان آن داستان / که پیچیده آواز لیلی در آن

❖ مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

شور دل شوریده را من با چه بنشانم که عشق / با هر چه پیشش می رسد سوی تو می

شور اندم

پایه های آوایی همسان دولختی :

❖ مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

عشق چه خوش گفت دوش با خرد خیره کوش / پای تو چو بین و من یکسره
پاسوخته

❖ مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن

من راه تو را بسته، تو راه مرا بسته / امید رهایی نیست وقتی همه دیواریم

❖ مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن یا مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

ای بوسه ات شراب و از هر شراب خوشتر / ساقی اگر تو باشی حالم خراب خوشتر

❖ مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

پرنده نرم تر از روح یک ترانه می آمد / پرنده نه که پری بود و از فسانه می آمد

❖ فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

نه خالف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم / همه بر سر زبانند و تو در میان جانی

❖ مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن

دسته گلی به مقدمت دسته ی بوسه های من / حلقه گلی به گردنت، حلقه ی بازوان من

❖ مستفعلن فع مستفعلن فع یا فع لن فعولن فع لن فعولن

چندان که گفتم غم با طیبیان / درمان نکردند مسکین غریبان

پایه های آوایی ناهمسان :

❖ مستفعلن مفاعیل مفعولن یا مفعول فاعلات مفاعیلن

ای آن که غمگنی و سزاواری / و اندر نهان سرشک همی باری

❖ مستفعلن فاعلات مستفعلن یا مفعول مفاعیلن مفاعیلن

وقتی که تو نیستی جهان خالی است / خالی است زمین و آسمان خالی است

❖ مستفعلن فاعلات فع لن یا مفعول مفاعیلن فعولن

ای تو گل و در بهار حسنت / من مرغ سخن سرای عشقت

❖ فعلاتن مفاعِلن فعِلن

به سراپم ره گمان نزنید / سر آب از شما نمی خواهم

❖ فاعلاتن مفاعِلن فعِلن

دست های پر از شقایق تو / بانی فتح باب پنجره هاست

❖ مستفعلان مفاعل مستفعلن فعل یا مفعول فاعلات مفاعیل فاعِلن

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

❖ مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعِلن

تو عاشقانه ترین فصلی از کتاب منی / غنای ساده و معصوم شعر ناب منی

❖ مفتعلن فاعلات مفتعلن فع

آمده ام بازت ای بهار بینم / محو تماشا برابرت بنشینم

نوع خاصی از سوالات کنکور:

کدام ابیات را می توان به دو صورت دسته بندی هجایی کرد؟ (سراسری ۹۹)

الف) عشقم آتش زد و آب مژه از سر بگذشت / پی آن گوهر یک دانه به دریا زده ام

ب) وقتی نشد که بی دوست بر حال خود نگریم / روزی نشد که در عشق بر کار خود نخندیم

ج) ای بت دل پسند من هر سر موت بند من / کاکل تو کمند من طژه تابدار هم

د) نقد جان بر سر سودای جنون باخته ایم / ایمن از وسوسه عقل زیان کار شدیم

ه) از بس عرق شرم نشسته است به رویم / محروم ز نظاره آن روی نکویم

الف، ج (۱) الف، ه (۲) ب، د (۳) ب، ه (۴)

نکته ۱: در حل این سوالات به رکن مفعول و دقت می کنیم. گزینه های که با دو جای بلند و یک هجای کوتاه (مفعول) آغاز شد قابلیت برش هجایی دو گانه را دارد چرا که اوزانی که این قابلیت را دارند که همگی با رکن مفعول و آغاز می شود.

دقت داشته باشید که وزن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن تنها وزنی است که با دو هجای بلند و یک هجای کوتاه آغاز می شود ولی ۱ دسته بندی هجایی دارد.

نکته ۲: وزن مفعول مفاعیل مفاعیل و فعولن

وزن همسان محسوب می شود.

چرا که برش هجایی دوم آن مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل است و همواره برش هجایی همسان نسبت به برش هجای ناهمسان در اولویت است.

اختیارات شاعری:

زبانی: حذف همزه، تغییر کمیت مصوت کوتاه، تغییر کمیت مصوت بلند

وزنی: ابدال، قلب، بلند بودن هجای پایان مصراع و آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن

۱. حذف همزه:

امکان حذف همزه: در زبان فارسی هرگاه پیش از همزه آغاز یک هجا، حرف صامتی بیاید، همزه را می توان حذف کرد. برای مثال در ترکیب «پیش از» همزه پیش از آغاز کلمه ی «از» را به سبب وجود یک صامت قبل از آن می توان حذف کرد و به صورت «پیشز» (- -) تلفظ کرد. همانطور که مشاهده می کنید با تلفظ بدون همزه این ترکیب، تقطیع هجایی متفاوتی خواهیم داشت.

نکته: حذف همزه فقط در مواضعی از شعر رخ خواهد داد که بنا به ضرورت شعری، در تقطیع هجایی به اختلافی میان هجاها برخورد کرده باشیم؛ در آن صورت برای یکسانی هجاهای دو مصراع می توان همزه را حذف کرد.

مثال: این شور که در سراسر ما را / وقتی برود که سر نباشد

این شور که در سراسر ما را

-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

وقتی برود که سر نباشد

در این شعر ترکیب «سراسر» (- - U) بنابر ضرورت و با توجه به امکان حذف همزه به صورت «سَرست» (U - U) تلفظ می شود تا هجای ششم مصراع اول همچون هجای ششم مصراع دوم کوتاه باشد.

به این مثال توجه کنید:

چون سرآمد دولت شبهای فصل / بگذرد ایام هجران نیز هم

چُن سَ را مَد دُو لَ تِ شَب ها ی و صل

-	U	-	-	U	U	-	-	-	U	-
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

بگِ ذَ ردِ آیِ یا مِ هِجِ رانِ نیِ زِ هَمَ

در این مثال «سرآمد» (سرآمد) حذف همزه رخ داده، اما در مصرع دوم علی رغم این که «بگذرد ایام» قابلیت حذف همزه را دارد. همزه آغازین کلمه «ایام» حذف نمی شود زیرا در آن صورت این ترکیب به صورت «بگذردِیِ ایام» (U U - -) تلفظ می شود. که با مصراع نخست همخوانی نداشت. بنابراین حذف همزه نه در همه جا که فقط هنگام ضرورت در تلفظ رخ خواهد داد. همچنین در هجای هفتم مصراع نخست این بیت یک اختیار زبانی دیگر به نام «تغییر کمیت مصوت ها» رخ داده که توضیح خواهیم داد.

اگر قبل از الف همزه آغاز هجا، حرف صامتی قرار بگیرد می توان الف همزه را حذف کرد

مثال: : در آن دران

در آن حال پیش آمد دوستی / کزو مانده بر استخوان پوستی

۲. تغییر کمیت مصوت کوتاه: این اختیار شاعری در چهار جا اتفاق می افتد:

✓ اول: بلند تلفظ کردن مصوت های کوتاه پایان کلمه

نبینی باغبان چون گل بکارد / چه مایه غم خورد تا گل برارد

چ مایِ

- -U

✓ دوم: بلند تلفظ کردن کسره ی اضافه

توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود

✓ سوم: بلند تلفظ کردن فتحه در کلمه (تو) و (نه) که به ندرت به کار می رود.

نه سبوی پیدا در این حالت نه آب / خوش ببین ولله اعلم بالصواب

تو کجایی تا شوم من چاکرت / چارقت دوزم کنم شانه سرت

✓ چهارم: کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند (او)

در چو نان روز مرا آرزویی خواهد بود

۳. کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند (ای)

راستی آموز، بسی جوروش / هست درین کوی که گندم نماست

نکته: مصوت بلند «ی» در کلماتی مانند «سیاست»، «بیاور»، «حالیا»، «زیاد»، «عامیانه» و از این قبیل که در میان و وسط کلمه ای ساده یا پسوند یا پیشوند یا ضمیر متصل باشد، همواره به صورت کوتاه تلفظ می شود و دیگر اختیاری وجود نخواهد داشت.

اختیارات وزنی: آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، بلند بودن هجای پایان مصراع، ابدال، قلب

۱. آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن

شاعر می تواند در اول مصراع به جای فعلاتن از فاعلاتن استفاده کند (عکس این صحیح نیست)

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

تکنیک: اگر بعد از فاعلاتن در ابتدای مصراع هجای کوتاه داشتیم، این اختیار وجود دارد.

دوست دارم که پیوشی رخ همچون قمرت / تا نینند چو خورشید به هر بام و درت

«ک» و «د» در مصراع اول و مصراع دوم هجای کوتاهی هستند که پس از فاعلاتن آمده اند.

۲. بلند بودن هجای پایان مصراع

۱) آخرین هجای هر مصراع در شعر غارسی همواره بلند است اما شاعر می تواند به جای آن

هجای کشیده یا کوتاه بیاورد. هجای پایانی هر مصراع چه کوتاه، چه بلند، چه کشیده، همواره با

علامت هجای بلند (-) نشان داده می شود بدون آنکه خللی در وزن شعر پدید آید. هیچ یک از شاعران میان این سه نوع هجا در پایان مصراع تفاوتی قائل نیستند و همه را هجای بلند بحساب می آورند. مثال: در ره وصفش

(۲) جهانی رفته اند / لیک کس نبود بر این تنگ آمده

در	رَ	هَ	وَصْ	فَشْ	جَ	ها	نی	رَفْ	تَ	اَند
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
لی	ک	کس	نَبْ	وَدَ	بَ	رین	تَن	گا	مَ	دَ
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-

نکته: هجای پایان نیم مصراع هم همانند هجای پایان مصراع همواره بلند تلقی می شود.

نیم مصراع چیست؟

در توضیح اوزان دوری گفتیم «درست در وسط هر مصراع در اوزان دوری یک مکشی وجود دارد.» به قبل و بعد این مکث ها یک نیم مصراع می گوییم. برای مثال در بیت زیر که وزنش مفتعلن فاعلن مفتعلن مفاعلن است:

شور شراب عشق تو، آن نفسم رود ز سر / کاین سر پر هوس شود خاک در سرای تو

«شور شراب عشق تو» نیم مصراع اول است «آن نفسم رود ز سر» نیم مصراع دوم است و «کاین سر پر هوس شود» نیم مصراع سوم است و «خاک در سرای تو» نیم مصراع چهارم است. همانطور که می بینید بین این نیم مصراع ها می توانیم مکث و درنگ کنیم.

در همین بیت دقت کنید. در پایان نیم مصراع نخست و در پایان نیم مصراع چهارم هجای کوتاه (ت) آمده است و بنا بر اختیار وزنی بلند بودن هجای پایانی بلند تلقی می شود.

۳. ابدال: شاعر می تواند گاهی به جای دو هجای کوتاه از یک هجای بلند استفاده کند

(توجه: عکس این صحیح نیست)

دو نوع ابدال داریم. (این تقسیم‌بندی، جنبه علمی ندارد و ابداعی نگارنده است و بنا بر تجربه در آموزش این اختیار شاعری بسیار مفید است.)

۱. ابدال کلاسیک: هر گاه در پایان وزنی که قاعدتاً باید «فعَلَن» بیاید، «فَعْلَن» آمد، ابدال داریم. یعنی شاعر می‌توان بجای فعلن، فَعْلَن بیآورد.

اوزانی که قابلیت ابدال کلاسیک را دارند:

مفاعِلن	فعَلاتِن	مفاعِلن	فعَلن
فعَلاتِن	فعَلن		
فعَلاتِن	فعَلاتِن	فعَلن	
فاعلاتِن	مفاعِلن	فعَلن	

مثال: درد عشقی کشیده ام که می‌رس ← ابدال ندارد. چون رکن آخرش «فعَلَن» است ولی هجای ماقبل آخرش بلند نیست، پس فعلن به فَعْلَن تبدیل نشده است.

نتیجه‌گیری ← شرایط ابدال کلاسیک: ۱. آخر وزن بیت فعلن باشد. ۲. هجای ماقبل آخر بلند باشد.

مثال: من آن‌نی‌ام که حلال از حرام نشناسم / شراب با تو حلال است و آب بی تو حرام

وزن بیت: مفاعِلن فعَلاتِن مفاعِلن فعَلن است. در آخر مصراع اول «نا/سم» دو هجای بلند می‌بینیم، پس ابدال دارد ولی در پایان مصراع دوم، دو هجای کوتاه و یک هجای بلند «تُح رام» می‌بینیم. پس ابدال ندارد. در انتهای مصراع اول «فَعْلَن» داریم و در انتهای مصراع دوم «فعَلَن» داریم.

۲. ابدال تابلو: هر گاه ۴ هجای بلند به نحوی که در ریتم شعر سکتۀ ایجاد کنند، بیاید ابدال تابلو داریم.

مثال اول: ای از رخ شاه جان، صد بیدق را سلطان / بر اسب نشین ای جتن تا غاشیه بگیرم

وزن بیت: «مفعول مفاعِلن مفعول مفاعِلن»

مثال دوم: خوشا هوای گلستان و خواب در بستان / اگر نبودی تشویش بلبل سحرم

وزن بیت: مفاعله فاعلاتن مفاعله فاعله

۴. قلب: شاعر به ضرورت می تواند یک هجای بلند و یک هجای کوتاه کنار هم را جابه جا کند مانند :

مفعله -UU- مفاعله U-U در بیت :

اوزانی که در محدوده کنکور، قابلیت داشتن اختیار قلب دارند:

مفعله فاعله مفعله فاعله
مفعله مفاعله مفعله مفاعله
مفعله مفعله مفعله مفعله

برای مثال اگر وزن یک مصراع «مفعله فاعله مفاعله فاعله» باشد و وزن مصراع بعدی «مفعله فاعله مفعله فاعله» قلب داریم.

تکنیک: شعر را به روش عروض چشمی تقطیع کنید و اسلش بزنید. برای مثال در مصراع «کیست که پیغام من به شهر شروان برد» وزن یایی کنید و سپس تقطیع چشمی کنید. مفعله فاعله مفعله فاعله «مفعله فاعله» مفعله (کی س ک پی) فاعله (غام من) مفعله (ب شه ر شر) فاعله (وان ب رد) حالا کار راحت تر شد. می بینید که در رکن سوم به جای مفعله، مفاعله داریم! به قلب سلام کنید :

وزن شعر نیمایی:

شعر نیمایی دارای وزن عروضی است؛ اما برخی محدودیت های شعر کلاسیک و عروض سنتی را ندارد. در شعر کلاسیک تعداد هجاها و چایه ها (ارکان) دو مصراع و نیز نوع هجاها و مقابله هم در مصراع، با یکدیگر یکسان است و شاعر تنها می تواند از ابزار اختیار شاعری برای تغییرات جزئی در هجاها، چنان که گفته شد، استفاده نماید. در شعر نیمایی نیز ترتیب و نوع هجاها یکسان است و همین عامل، موجب ایجاد نوعی موسیقی و آوا در این نوع شعر می شود؛ منتها شاعر مقید به تساوی تعداد هجاها در مصراع ها (یا بندها) نیست و به همین دلیل مصراع در این نوع شعر ممکن است کوتاه و بلند شود. مثلاً در عروض سنتی هرگاه وزن مصراع نخست «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» باشد، وزن مصراع دوم نیز لزوماً «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» خواهد بود. در شعر نیمایی این حالت

کمی متفاوت است؛ بدین صورت که مثلاً اگر وزن بند نخست «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» بود، مصراع دوم می تواند بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» باشد. البته دو نکته مهم در این نوع شعر وجود دارد:

الف) تفاوت وزن بندها، فقط در تعداد هجا است، اما وزن واژه کل شعر یکسان است. مثلاً اگر شعری نیمایی بر مبنای وزن واژه «فاعلاتن» سروده شده باشد، شاعر نمی تواند در اثنای کلام از وزن واژه دیگری، مثلاً وزن واژه «فاعلاتن» استفاده کند.

ب) در شعر نیمایی نیز شاعر می تواند از اختیارات شاعری استفاده کند.
مثال:

می تراود مهتاب / فاعلاتن فع لن (-U-- / --می ت راود / مه تاب)

می درخشد شب تاب / فاعلاتن فع لن (-U-- / --می درخ شد / شب تاب)

نیست یک دم شکند خواب به چشم کس ولیک / فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع لن (نیست یک دم / ش
ک ند خا / ب ب چشم م / ک س لیک (-UU—UU—U—UU-

غم این خفته چند / فعلاتن فع لن (-UU—UU- / غ م این خف / ت ی چند)

خواب در چشم ترم می شکند / فاعلاتن فعلاتن فع لن (خاب در چشم / م ت رم می / ش ک ند / -
(UU—UU—U-

همانطور که ملاحظه می کنید، وزن واژه شعر بر پایه «فاعلاتن» است و تکرار این پایه آوایی در همه مصراع عا رعایت شده است. البته شاعر در تمامی بندها به غیر از بند چهارم، در رکن نخست از اختیار شاعری «آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن» استفاده کرده است. همچنین مطابق اختیار شاعری ابدال، شاعر در بندهای اول و دوم به جای «فع لن» از «فع لن» بهره گرفته است. تفاوت اصلی وزن شعر نیمایی در همین یکسان نبودن تعداد پایه های آوایی هر بند یا مصراع است. مثلاً بندهای اول و دوم دارای دو پایه آوایی و بند سوم دارای ۴ پایه آوایی است. تعداد پایه های آوایی در این نوع شعر، از نظم خاصی پیروی نمی کند.

نکته: کوتاهی و بلندی مصراع های یک شعر، در برخی قالب های شعری کهن نیز وجود داشته است؛ مثلاً قالب شعری «مستزاد» نمونه بارز این عدم رعایت کوتاهی و بلندی مصراع ها در شعر کلاسیک است:

ای کامگار سلطان، انصاف تو به کیهان	گشته عیان
مسعود شهر یاری، خورشید نامداری	اندر جهان
ای اوج چرخ جای، گیتی ز روی و رایت	چون بوستان

نام گذاری اوزان:

در عروض سنتی برای هر یک از اوزان شعری، اسمی نهاده اند، در کتاب درسی به دلیل آنچه عدم کاربرد نامگذاری اوزان بیان شده، از ذکر تفصیلی نام اوزان خودداری شده و تنها چند قاعده کلی در این رابطه بیان شده است. واحد وزن شعر فارسی مصراع است؛ اما چون نامگذاری اوزان به شیوه عروض عرب انجام شده، در نامگذاری وزن شعر فارسی، بیت، مبنای محاسبه قرار گرفته است که در عروض سنتی آن را «بحر» نامیده اند که مجموع آنها را با عنوان «بحور عروضی» می شناسیم. وزن حاصل از تکرار برخی ارکان که در حیطه کتاب درسی و کنکور سراسری مورد پرسش قرار می گیرد این چنین است:

مفاعیلن ← بحر هزج	فاعلاتن ← بحر رمل
مستفعلن ← بحر رجز	فعولن ← بحر متقارب

اما چند نکته در رابطه با بحور عرضی:

الف) کوتاه ترین مصراع در شعر فارسی دو رکن و طولانی ترین آنها ۴ رکن دارد و در مجموع بیت های شعر فارسی، ۴، ۶ یا ۸ پایه یا رکن خواهند داشت. مثلاً اگر شعری بر وزن «فاعلاتن» سروده شده و در هر مصراع رکن «فاعلاتن» چهار بار تکرار شده باشد، مجموع ارکان آن، هشت «فاعلاتن» خواهد بود، در آن صورت نام وزن شعر «؟؟» خواهد بود. پس اگر تعداد ارکان در هر مصراع سه و در مجموع شش رکن باشد، آن را «مسدس» و اگر تعداد ارکان در هر مصراع دو و در مجموع چهار رکن باشد آن را

«مربع» می‌نامیم. گاهی در سوالات فقط یک مصراع آورده می‌شود، در آن صورت نیز نامگذاری وزن شعر با توجه به تعداد پایه‌های آوایی کل بیت صورت می‌گیرد و نه فقط پایه‌های آوایی یک مصراع. (ب) گام آخر در نامگذاری وزن یک بیت، پس از دریافت «وزن واژه» و «تعداد پایه‌های آوایی» آن بیت، توجه به «نوع پایه پایانی بیت» است. اگر رکن پایانی شعر کامل باشد، آن را «سالم» و اگر یک هجا از رکن پایانی حذف شده باشد، آن را «محذوف» یا (مقصور) می‌نامند. مثلاً اگر وزن شعر «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» باشد «سالم» و اگر «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» باشد «محذوف» خواهد بود.

در جدول پیش رو تمامی اوزانی که نام بحر آنها ممکن است در حیطه کتاب و کنکور سراسری مورد پرسش قرار گیرد آورده شده است؛ به خاطر سپردن نام اوزان شعری یکی از راههای حل سوالات این مبحث است.

وزن	نام وزن
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مثنی سالم
مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مسدس سالم
مستفعلن مستفعلن	رجز مربع سالم
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مثنی سالم
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی محذوف
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مسدس سالم
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مسدس محذوف
فعولن فعولن فعولن فعولن	مقارب مثنی سالم
فعولن فعولن فعولن فعل	مقارب مثنی محذوف
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مثنی سالم
مفاعیلن مفاعیلن فعولن (مفاعی)	هزج مسدس محذوف

اما حتی بدون نیاز به حفظ کردن نام اوزان، با بررسی همان سه موردیش گفته نیز می توان نام اوزان را دریافت. به مثال های زیر توجه کنید :

مثال: روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد / چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد.

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

روزگار س / تسن ک گه عز / زت دهد گه / خار دارد

چرخ بازی / گر آ زین با / زی چ ها بس / یار دارد

وزن بیت از تکرار رکن «فاعلاتن» (رمل) تشکیل شده. هر مصراع چهار رکن دارد و کل بیت در مجموع هشت (مثنی) رکن دارد. از رکن پایانی هجایی حذف نشده است (سالم) پس نام وزن شعر «رمل مثنی سالم» است.

مثال: به نام آنکه جان را فکرت آموخت / چراغ دل به نور جان برافروخت

مفاعیلن مفاعیلن فعولن

به نام آن / که جان را فک / ر تا موخت

چ راغ دل / به نور جان / ب رف روخت

وزن این بیت از تکرار «مفاعیلن» (هزج) تشکیل شده. هر مصراع سه رکن و کل بیت در مجموع شش (مسدس) رکن دارد. از رکن پایانی یک هجا حذف شده و «مفاعیلن» در رکن پایانی به صورت «فعولن» درآمده است (محدوف). پس نام وزن شعر «هزج مسدس محدوف» است.

مثال: اگر مرد عشقی کم خویش گیر / و گرنه ره عافیت پیش گیر

فعولن فعولن فعولن فعل

اگر مر / د عش قی / کم خی / ش گیر

و گرن / ره عا / ف یت پی / ش گیر

وزن بیت بالا از تکرار رکن «فعولن» (متقارب) تشکیل شده است. هر مصراع چهار رکن و کل بیت در مجموع دارای هشت (مثنی) است. از رکن پایانی یک هجا حذف شده و «فعولن» در رکن پایانی به صورت «فعل» درآمده است (محذوف). لذا نام وزن این بیت «متقارب مثنی محذوف» است.

مثال: دریای هستی دم به دم / در چرخ و تاب و پیچ و خم

مستفعلن مستفعلن

دریای هس / تی دم ب دم

در چرخ تا / ب پی چ خم

به ندرت بیتی همانند بیت بالا دارای دو رکن در هر مصراع و در مجموع چهار رکن در هر بیت است (مربع). هر مصراع نیز دارای دو «مستفعلن» (رجز) کامل و بدون ناقصی است. پس نام وزن این بیت «رجز مربع سالم» است.

«قافیه»

درس قافیه، یکی از پربازده‌ترین درس‌های علوم و فنون با دو سوال مستقیم در کنکور سراسری است.

یادگیری این مبحث در گرو صبر و دقت شماست. پیشنهاد ما این است که به نظم فکری در سنامه

اعتماد کامل داشته باشید و سپس پس از مطالعه جزئیات و نکات پیشرفته به تمرین و تست‌زنی (که به

شکل سطح‌بندی شده در کتاب حاضر برایتان طبقه‌بندی شده) بپردازید. #قافیه_رو_نباز:

قافیه:

در اصطلاح به کلماتی هم آهنگ که از مجموعه صامت‌ها و مصوت‌های کوتاه و بلند تشکیل شده‌اند می‌گویند که در آخر هر مصرع یا هر بیت (بستگی به قالب شعری) می‌آیند و آن را گوش‌نواز و زیباتر می‌کنند؛ به شرطی که:

عیناً از لحاظ ساختار ظاهری و معنایی تکرار نشوند ولی اگر به لحاظ معنایی و ظاهری یکسان باشند به آن ردیف می‌گویند که در این صورت کلمه ما قبل ردیف قافیه می‌باشد.

قبل از این که با جزئیات قافیه آشنا شویم بهتر است «ردیف» را معرفی کنیم. خیلی وقت‌ها با اشتباه در تشخیص ردیف، قافیه رو هم می‌بازیم:

❖ ردیف:

لفظی است که از لحاظ معنا و تلفظ در پایان دو مصراع می‌آید

این چه دامی است که از سنبل مشکین داری / که به هر حلقه آن صد دل مسکین داری

نکته: هر بیتی که ردیف دارد لزوماً قافیه هم دارد.

❖ زهر ناحیت کاروان ها روان / به دیدار آن صورت بی روان
جاری روح و روان

❖ آتش است این بانگ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد
باد (جریان هوا) نیست (نمی باشد) / باد (الهی باشد) نیست (نابود)

❖ من قصه خویشتن بدو چون گویم / ترک است و به چوگان بزند چون گویم
چگونه بگویم / مانند گوی (جسم کروی شکل)

❖ مشو تا توانی ز رحمت پری / که رحمت بر نددت چو رحمت پری
(دور. مصون) / (ببری)

❖ زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد / از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد
(رفت) / (مشغول شد)

۱. قافیه ندارد ۲. معنا متفاوت است.

حالا نوبت اصل کار است. با طمانینه و اعتماد به نفس یکی از ارکان مهم موسیقی شعر فارسی را با هم
و قدم به قدم می آموزیم.

اجزای قافیه

۱. واژه های قافیه

۲. حروف مشترک: حروف اصلی + حروف الحاقی

۳. حروف اصلی: آخرین مصوت مشترک با یک یا دو صامت بعدی یا بدون صامت

وفا و ما: مصوت «ا» - دَلْبَر و یاوَر: مصوت ویک صامت: «ر» - باخت و انداخت: مصوت و دو صامت
اخت:

۴. حروف الحاقی: حروفی هستند که از اجزای حروف اصلی نیستند و به واژگان قافیه اضافه شده‌اند.

۵. حرف روی: آخرین حرف از حروف اصلی (هم می‌تواند صامت باشد و هم مصوت).

هم زبان و محرم خود یافتند پیش او یک یک به جان بشتافتند

- واژه‌های قافیه: یافتند - بشتافتند
- حروف مشترک: افتند
- حروف الحاقی: -ند
- حروف اصلی: افت
- حرف روی: ت

انواع حروف الحاقی

- ۱- ضمائر پیوسته شخصی: خدایش / رهایش -ش الحاقی
 - ۲- شناسه‌ها: گفتم / رُفتم -م الحاقی
 - ۳- ی نکره: کتابی دیدم / سرابی دیدم دیدم: ردیف ی: الحاقی
 - ۴- صامت «ی» بعد از مصوت بلند (او، ا): خدای و سرای / سوی و جوی
 - ۵- علامت‌های جمع: ها - ان - ات: پسران و دختران
 - ۶- مصوت بلند (ی) و (ه) پایان کلمات: ساقی - پروانه
- نکته: اگر واژه‌های قافیه حرف الحاقی داشته باشند و بین حروف اصلی و الحاقی، «ی میانجی» وجود داشته باشد حرف میانجی هم جزو حروف الحاقی محسوب می‌شود: ترازویش - بازویش
- حرف اصلی: و

حروف الحاقی: ی + -ش

کلید حل بسیاری از سوالات قافیه، «حروف اصلی قافیه» است. همین نکته است. قواعد قافیه که همواره در کنکور سراسری یک سوال را به خود اختصاص می دهد با توجه به همین حروف اصلی قافیه تعیین می شود.

نحوه بدست آوردن حروف اصلی قافیه:

بعد از حذف کردن حروف الحاقی، آخرین مصوت به بعد، حروف اصلی است. (حتی اگر حروف قبل آن مشترک باشند). مثال: رفاقت - حماقت «فقط مصوت "ت" حروف اصلی قافیه اند.»

نکته: حروف الحاقی فقط در قافیه قابل تصور است و ردیف نمی تواند حروف الحاقی داشته باشد.

حتما می دانید که: حروف اصلی همیشه با مصوت شروع می شود، چه قاعده قافیه ۱ باشد چه قاعده ۲ باشد.

مثال های آموزشی:

❖ منم که دیده به دیدار دوست کردم باز / چه شکر گویمت ای کارساز بنده نواز

- واژه های قافیه: باز و بنده نواز

- حروف مشترک: از

- حروف الحاقی: ×

- حروف اصلی: از

❖ کوی عشق آمد شد بر ما برنتابد بیش ازین / دامن تر بودن آنجا برنتابد بیش ازین

- ردیف: برنتابد بیش ازین

- واژه‌های قافیه: ما و آنجا

- حروف اصلی قافیه: ا

❖ با من بگو تا کیستی مهری بگو ماهی بگو / خوابی خیالی چیستی اشکی بگو آهی بگو

- واژه‌های قافیه: ماهی - آهی

- حروف مشترک: اهی

- حروف الحاقی: ی

- حروف اصلی: اه

❖ صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد / بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد

- ردیف: کرد

- واژه‌های قافیه: باز و حقه باز

- حروف اصلی قافیه: از

آماده‌اید که مهمترین مبحث قافیه را یاد بگیریم؟

قواعد قافیه: بر اساس حروف اصلی واژه‌های قافیه تعیین می‌شوند.

قاعده ۱:

اگر حروف اصلی ما مصوت بلند (آ-او)د باشد. خدا-رها / بازو-جارو

اگر اساس قافیه (آ، او) بود، قاعده ۱ است، اما اگر نبود قاعده ۲ است.

قاعده ۲:

اگر حروف اصلی ما: مصوت + یک صامت یا دو صامت باشد، قاعده ۲ است.

باز - ساز ← حروف اصلی: از

مثال:

❖ صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را ^{ردیف} که سر به کوه و بیابان تو داده ای ما را

رعنا - ما ← حروف اصلی: ا قاعده ۱

❖ اگر در دیده مجنون نشینی ^{حروف} به غیر از خوبی لیلی نبینی

نشین - نبین ← حروف اصلی: بین قاعده ۲

از شکاف روزن دیوارها / مطلع گردند بر سر اسرارها

حروف الحاقی: ها

واژه های قافیه: دیوار و اسرار (بر اساس قاعده ۲)

حروف اصلی قافیه: ار

نکته ۱: اگر یکی از واژه های قافیه حرف الحاقی داشته باشد ولی دیگری نداشته باشد، الحاقی در نظر

گرفته نمی شود:

رها - محفل ها ← حروف اصلی: ا

نکته ۲: مصوت در واژه های قافیه حتما باید مشترک باشد مگر این که حروف الحاقی وجود داشته باشد

"رَفَت" با واژه "رُفَت" هم قافیه نمی شوند اما "رَفْتیم" با "رُفْتیم" هم قافیه اند.

نکته ۳: در الگوی «مصوت + صامت + صامت» هر دو مصوت باید مشترک باشند و گرنه قافیه غلط است: رَفَت با رَشَت هم قافیه نیست.

«دو پادشاه در اقلیمی نگنجند» ولی دو قافیه چرا!

ذوقافیتین: کلمات قبل از واژه های قافیه در یک بیت، شرایط قافیه را داشته باشند.



طُرفه می دارند یاران صبر من بر داغ و درد / داغ و دردی کز تو باشد خوش تر است از باغ و ورد

قافیه های ۱: داغ - باغ ----- حروف اصلی: باغ

قافیه های ۲: درد - ورد ----- حروف اصلی: -رد (قاعده ۲)

ممکن است قاعده قافیه اصلی با قاعده دوم، مشترک یا متفاوت داشته باشد. (البته قاعده قافیه در

ذوقافیتین فقط درباره قافیه اصلی بررسی می شود.)

ترک من کارام جان از شکر گویا دهد
ردیف 2 1

کام جان عاشقات از عبهر شهلا دهد

1 2 ردیف

نکته فرادرسی:

حاجب: اگر یک کلمه میان ۲ قافیه تکرار شود به آن حاجب می‌گوییم و حاجب تاثیری در ذوقافیتین

ندارد و مانع این نیست که ما ذوقافیتین داشته باشیم

□ ★ □ 2 1 □ ★ □ 2 1

مثال:

چون ندید از یاری ما شیخ سود باز گردانید ما را شیخ زود
1 حاجب 2 1 حاجب 2

قافیه‌های ۱: شکر - عبهر ← حروف اصلی: ر

قافیه‌های ۲: گویا - شهلا ← حروف اصلی: ا

املاي کلمات همیشه مهم است. همیشه ...

قافیه خطی: املاي حروف قافیه باید یکسان باشد و صرفاً تلفظ یکسان مورد پذیرش نیست.

کلمه "لذیذ" و کلمه "برخیز" و واژه‌های «حیاط» و «مما» قافیه نمی‌شوند:

مثال: هر که را سوز فراقش باشد / از جهان جمله فراغش باشد

فراغ و فراق نمی‌توانند قافیه باشند و قافیه بیت غلط است.

اگر فکر می‌کنید قافیه همواره در پایان مصراع‌ها می‌آید، سخت در اشتباهید!

❖ قافیه میانی: گاهی اوقات شاعر برای افزایش موسیقی شعر، علاوه بر قافیه اصلی، از قافیه میانی استفاده می کند. در این نوع قافیه هر مصراع، خود، به دو نیم مصراع تقسیم می شود و کلمات قافیه در پایان نیم مصراع ها می آیند.

_____ × _____ / × _____ × _____

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن / من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود

قافیه میانی می تواند به صورت های زیر بیاید:

۱- قافیه در نیم مصراع اول و نیم مصراع دوم بیاید:

چون غم عشق ز اندرون یک نفسی رود برون / خانه چو گور می شود خانگیان همه حزین

۲- قافیه را در نیم مصراع اول و نیم مصراع سوم می آورد:

اندر گل بسرشته یک نفخ دگر در دم / وان سنبل ناکشته بر طینت آدم زن

۳- قافیه را در نیم مصراع های اول، دوم و سوم می آورد:

تو به روح بی زوالی ز درونه با جمالی / تو از آن ذوالجلالی تو ز پر تو خدایی

۴- قافیه را در نیم مصراع دوم و نیم مصراع سوم می آورد:

در شکرستان جان غرغه شدم ای شکر / زین شکرستان اگر هیچ چشیدی بگو

۵- قافیه را در نیم مصراع دوم و نیم مصراع چهارم می آورد:

واپس جوابم داد او نی از تو است این کار ما / چون هر چه گویی وا دهد همچون صدا که سار ما

۶- قافیه را در نیم مصراع های اول، دوم و چهارم می آورد:

بر گو هله جان بر گو پیش همگان بر گو / وان نکته که می دانی با او به نهان بر گو

۷- هر چهار نیم مصراع با یکدیگر هم قافیه اند:

اگر کفریم ایمان شو اگر جرمیم غفران شو / وگر عوریم احسان شو بهشتی باش و رضوان شو

۸- نیم مصراع اول با نیم مصراع دوم و نیم مصراع سوم با نیم مصراع چهارم هم قافیه می شود:

آن قدح شاده بده دم مده و باده بده / هین که خروس سحری مانده شد از نوحه گری

❖ در قافیه میانی هم می توانیم ذوقافیتین داشته باشیم:

اگر دوریم رحمت شو و گر عوریم خلعت شو / و گر ضعفیم خلعت شو و گر دریم درمان شو

گاهی قافیه در درون مصرع (قافیه درونی) است؛ یعنی تنها در پایان مصرع یا نیم مصرع نیست؛ مانند این شعر مولوی:

روح تویی، نوح تویی، فاتح و مفتوح تویی / سینه مشروح تویی، بر در اسرار مرا

تا سخن از شعر نیمایی به میان می آید، رویکرد دوگانه‌ای در بین بچه‌ها دیده می‌شود. برخی روی

خوش به آن نشان نمی‌دهند و برخی به واسطه مضامین یا شاید رهایی آن از محدودیت های شعر

کلاسیک، شعر نو را ترجیح می‌دهند. ناگفته پیداست که با توجه به رویکرد کتب درسی، بیشتر شما در

دسته اول جای دارید!

قافیه در شعر نیمایی: شعر نیمایی یا آزاد مقید به تکرار قافیه در پایان هر بیت نیز نیست بلکه هر کجا

نیاز به قافیه بندی احساس شود، از آن استفاده می‌گردد. قافیه به قول نیما، «زنگ مطلب» است و زمانی

که بتواند نقشی موثر در ایجاد موسیقی ایجاد کند نمایان می‌شود. شعر در قالب نیمایی به جای «ابیات»

از چند «بند» تشکیل شده که گاهی این بندها با کمک قافیه به هم پیوند می‌خورند.

در پایان برخی از بندها قافیه می‌آید و نظم خاصی ندارد.

روا

دو نکته مهم: ● همیشه آخر بند می‌آید

ن. × /

● ممکن است ردیف هم داشته باشد

/ _____

بیابان

/ x _____

/ _____

زبان

/ x _____

مثال شعری:

نفس کز گر مگاه سینه می آید برون ابری شود تاریک

چو دیوار ایستد در پیش چشمانت

نفس کاین است پس دیگر چه داری چشم

ز چشم دوستان دور یا نزدیک

مسیحای جوانمرد من ای ترسای پیر پیرهن چرکین

یکی از قانون‌های نانوشته سوالات کنکور، چالشی بودن یکی از سوالات قافیه است. با هم نکات

پیشرفته این مبحث را بررسی می‌کنیم تا تحت هر شرایطی قافیه رو نبازیم:

نترسید... خیلی هم سخت نیست. با اعتماد به نفس شروع می‌کنیم.

نکات مهم و فراتر از سطح کتاب درسی:

نکته ۱: داشتن حروف الحاقی، در کنکور با عنوان تبصره (۱) مطرح می‌شود.

قاعده و تبصره قافیه در کدام ابیات یکسان است؟ (خارج ۱۴۰۱)

الف) تا با تو آرمیده ام از خود رمیده ام / منت خدای را که چه خوش آرمیده ام

ب) از بس عرق شرم نشست است به رویم / محروم ز نظاره ان روی نکویم

ج) بوی رحمان از یمن آمد دل و جان تازه شد / دل چه و جان چه جهان از بوی رحمان تازه شد

د) چندان به سر کوی خرابات خرابم / کاسوده ز اندیشه فردای حسابم

۱) الف - ج ۲) الف - د ۳) ب - د ۴) ج - د

گزینه ۳

در مورد «ب»، مَـ الحاقی است و «روی» و «نکوی» بر اساس قاعده ۲ می باشند

همچنین مورد «د»، مَـ الحاقی است و «حساب» و «خراب» بر اساس قاعده ۲ می باشند

کدام بیت بر اساس قاعده و تبصره «۱» سروده شده است؟ (داخل ۱۴۰۰)

۱) رفتی و نام تو ز زبانم نمی رود / و اندیشه تو از دل و جانم نمی رود

۲) از پسته تنگ خود آن یار شکر بوسه / دوشم به لب شیرین جان داد به هر بوسه

۳) زهی خورشید را داده رخ تو حسن و زیبایی / در لطف تو کس بر من نبندد گر تو بگشایی

۴) میر من خوش می روی کاندلر سر و پا میرمت / خوش خرامان شو که پیش قدرعنا میرمت

گزینه ۳ در این گزینه «بی» الحاقی است و «آ» در «بگشا» و «زیبا» بر اساس قاعده ۱ حرف اصلی

قافیه است.

گزینه ۱ و ۲ بر اساس قاعده ۲ می باشد و گزینه ۴ بر اساس قاعده ۱ است اما الحاقی ندارد، پس تبصره ۱ نمی باشد.

نکته ۲: مصوت بلند «ای» و های بیان حرکه «ه» در پایان کلماتی مثل خواجه، خاره و ... همواره حرف الحاقی محسوب می شوند.

چند مورد از موارد زیر دارای قافیه درست و دارای حروف الحاقی است؟

الف) دوش می آمد و رخساره برافروخته بود / تا کجا باز دل غم زده ای سوخته بود

ب) یکی مشکلی برد پیش علی / مگر مشکلیش را کند منجلی

ج) که زهر ناشسته رویی کپ زنی / شرم داری وز خدای خویش نی

د) زانک شاکر را زیادت وعده است / انچنان که قرب و مزد سجده است

۱) صفر ۱(۲ ۲(۳ ۳(۴

گزینه ۳ دو مورد

در مورد الف «بود» ردیف است و «ه» الحاقی است و «وخت» حروف اصلی قافیه می باشند.

ب) «ی» با اینکه جزو خود کلمه است اما الحاقی است و «ل» حروف اصلی قافیه است.

ج) «ی» در این گزینه الحاقی است و قافیه این بیت غلط می باشد

د) است ردیف می باشد و «ه» الحاقی است و «وعد» و «سجد» قافیشان غلط است

نکته ۳: اگر تفاوت واژه‌های قافیه فقط و فقط در یک مصوت کوتاه باشد ولی حروف اصلی قافیه ملحق

به حروف الحاقی باشد، قافیه معیوب نیست. مثال: «کُشتیم» و «کِشتیم» بنابر داشتن حروف الحاقی

می‌توانند قافیه شوند و تفاوت مصوت کوتاه آن‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کند.

توجه کنید! دوخته و ساخته نمی‌توانند قافیه باشند زیرا تفاوت در مصوت بلند است

دوخته ساخته ← دوخت ساخت ← وخت اخت

سراسر همه دشت پر کشته بود / زمین چون گل ارغوان گشته بود

گفت من مستسقی ام آبم کُشد / گرچه می‌دانم که هم آبم کُشد

قافیه در کدام گزینه غلط می‌باشد؟

(۱) نامه کن از قصه بیمار دل / تارهی از غصه بیمار دل

(۲) خرد اندر جهان او نرسد / علم بر آستان او نرسد

(۳) کرد بر آن حمله و از حمله سوخت / دید در آن حمله و از حمله سوخت

(۴) در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع / شب نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

گزینه ۴ چو شمع ردیف است و انـَم الحاقی است و حروف اصلی «وب» و «-ند» که قافیه شان غلط

است

۱) قصه و غصه «ه» الحاقی است و چون در یک مصوت کوتاه اختلاف دارند و حروف اصلی

قافیه نیز ملحق به حرف الحاقی (ه) است، قافیه درست است.

۲) «جهان» و «آستان» کلمات قافیه هستند و قافیه شان درست است.

۳) در «جمله» و «جمله»، «ه» الحاقی است چون در یک مصوت کوتاه اختلاف دارند، قافیه درست است.

نکته ۴: در صورتی که واژه‌های قافیه، هر دو دارای حروف الحاقی باشند، برای یافتن حروف اصلی قافیه، حروف الحاقی را حذف می‌کنیم ولی اگر یک طرف قافیه دارای حرف الحاقی بود و طرف دیگر فاقد آن، حرف یا حروف الحاقی اساس قافیه (حروف اصلی) محسوب می‌شود.

مثال: بر لب بحر از همه سو فارغم / رسته ام از ناوک و سو فارغم

حروف اصلی: م- / فاقد حروف الحاقی / قاعده قافیه: ۲ (اساساً «م-» در مصراع نخست الحاقی است

ولی از آن جایی که در مصراع دوم حرف الحاقی نداریم، اساس قافیه و حروف اصلی «م-» است.)

نکته ۶: گاهی پسوند و پیشوند در صورتی که از لحاظ نوع متفاوت باشند، در حکم واژه قافیه قرار می‌گیرند.

نک بهاران شد، صلا ای لولیان / بانگ نای و سبزه و آب روان

گرچه حروف مشترک تنها حروف الحاقی «ان» است؛ اما پسوند «ان» در واژه «لولیان» نشانه جمع است و در واژه «روان» نشانه صفت فاعلی و قافیه درست است.

نکته ۷: عیوب قافیه:

الف: قاعده قافیه بر مبنای قواعد دوگانه نباشد. برای مثال قافیه شدن «خلق» و «رمق» معیوب است.

ب: عدم رعایت قافیه خطی: برای مثال قافیه شدن «خیاط» و «مات» معیوب است.

دقت کنید که برای قافیه خطی تنها لازم است که حروف اصلی قافیه یکسان باشند به عنوان مثال: ختا و

خطا قافیه درستی دارند چون حرف اصلی قافیه شان «آ» است

ج: نداشتن حروف الحاقی در صورتی که تفاوت واژه‌های قافیه تنها در یک مصوت کوتاه تفاوت دارند.

برای مثال: قافیه شدن «عارف» و «متعارف» معیوب است (حتماً می‌دانید که اگر این کلمات ملحق به

حروف الحاقی شوند، عیب قافیه برطرف می‌شود. [نکته ۳])

د: پسوندها در کلمات قافیه مشترک باشد. برای مثال: قافیه شدن «» و «» در بیت زیر معیوب است، چرا

که در هر دو مورد «ان» نشانه جمع است.

شب سیاه بدان زلفکان تو ماند / سپید روز به پاکی رخان تو ماند

ه: یکسان نبودن حرف روی: برای مثال قافیه شدن «ترک» و «مرگ» معیوب است.

۱. هر که را سوز فراقش باشد / از جهان جمله فراغش باشد (عدم رعایت قافیه خطی در حروف اصلی)

۲. روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست / منت خاک درت بر بصری نیست که نیست قافیه درستی

دارند «نیست که نیست» ردیف است «ی» الحاقی است «ر» حرف است قافیه می‌باشد

۳. که گر آفتاب است یک ذره نیست / و گر هفت دریاست یک قطره نیست (نیست ردیف است و «ه»

الحاقی است و «ذر» و «طر» قافیه شان غلط است

۴. گذری کلات ایچ گونه مکن / گر آن ره روی خام گردد سخن قافیه درستی دارند. تلفظ واژه «سخن»
با فتحه و ضمه بنابر ضرورت قافیه در سبک خراسانی مرسوم است.

۵. گرچه آتش نیز هم جسمانی است / نه ز روحست و نه از روحانی است (است ردیف است «ی» الحاقی
است و جسم و روح هم قافیه شان غلط است

۶. کار من سربازی و بی خویشی است / کار شاهنشاه من سربخشی است (است ردیف است «ی» الحاقی
است و خویش و بخش قافیه شان غلط است.

۷. که او رسم های پدر در نوشت / ابا موبدان و ردان شد درشت (-شت و -شت در یک مصوت کوتاه
اختلاف دارند اما چون حرف الحاقی ندارند قافیه را معیوب کرده است)

۸. دیدار تو حل مشکلات است / صبر از تو خلاف ممکنات است («است» در این گزینه ردیف می باشد
و مشکلات و ممکنات کلمات قافیه هستند که «ات» الحاقی می باشد و مشکل و ممکن قافیه شان
نادرست است سایر گزینه قافیه درستی دارند)

۹. چون که بلقیس از دل و جان عزم کرد / بر زمان رفته هم افسوس خورد (کرد و خورد قافیه شان غلط
است)

۱۰. خیز بنگر کاروان ره زده / هر طرف غولبست کشتیان شده («ه» الحاقی می باشد و زد و شد قافیه
شان غلط است)

نکته ۷: چیدمان قافیه در قالب های شعری:

مثنوی هر بیت قافیه ای جداگانه دارد

..... دست مست

..... درویش ریش

..... تماشا تمنا

غزل (مصرع بیت اول با مصرع های دوم همه ی بیت ها هم قافیه است)

..... اصحاب سحاب

..... احباب

..... ناب

دویتی یا چهار پاره (ابیات دوبیت دوبیت با هم هم قافیه اند و هر دوبیت قافیه ای جدا دارد)

..... کمان

..... جهان

..... نعیم

..... نسیم

قطعه (فقط مصرع های دوم هم قافیه اند)

..... صنوبر.

..... مقرر

..... کشور

رباعی (دو بیت دارد و مصرع اول بیت اول با مصرع های دوم بیت های دوم هم قافیه است)

..... خلل عمل.....

..... محل

@adabiat_ahmadi